



تصویرسازی از آینده شاید یکی از مهم‌ترین وجوه تفاوت و تمایز انسان‌ها از دیگر موجودات باشد. انسان‌ها همواره رو به آینده هستند. یک دلیل دم دستی آن شاید این باشد که تنها امکانی که برای برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدفی مشخص در اختیار انسان قرار دارد همان آینده‌ای است که همه ما به سمت آن در حرکتیم.

داشتن تصویری از آینده، از این لحاظ که افق پیش روی ماست، شاید یکی از بنیادین‌ترین وجوه هستی‌شناختی ما باشد چرا که به نوعی تنها دارایی بالقوه ماست؛ لحظه گذشته جز خاطره‌ای نیست و لحظه حال هم چیزی جز کنش و واکنش ما با محیط نمی‌تواند چیز دیگر باشد، تنها لحظه آینده است که می‌توان برای آن پروژه تعریف و برای توفیق در آن پروژه برنامه‌ریزی و تمهیدات گرفت. از این حیث می‌توان دریافت که چرا نمی‌توان و نباید نسبت به تصویری آینده بی‌تفاوت بود و آن را نادیده انگاشت. هر تصویری که امروز ما از آینده تصویری می‌کنیم تعیین‌کننده افقی خواهد بود که در آینده زیست‌جهان ما را شکل خواهد داد.

مارتین هایدگر، فیلسوف آلمانی، در پروژه کلان فکری‌اش در هستی و زمان به تطویل و دقت درخصوص این رو به آینده بودن هستی‌انسانی بحث کرده است و می‌توان برای درک ابعاد هستی‌شناختی و فلسفی آن به آنجا رجوع کرد، اما غرض مقاله حاضر صرفاً بازخوانی این بخش از قرائت هایدگر از زمان در نسبت با هستی‌انسانی نیست، در ادامه تلاش ما مبروف آن استست تا نشان دهیم صنعت فرهنگ، به خصوص سینما و سریال‌سازی ما، تا چه حد از این مفاهیم کلیدی دور و بی‌بهره است و خود را اسیر چیز کرده که در این مقاله آن را تله روزمرگی می‌خوانیم.

نگاهی که محصولات سینمایی ایران، که به تسامح سریال‌های شبکه‌های تلویزیونی، در همین مفهوم خواهیم گنجاند، نشان می‌دهد

نگاهی به پویانمایی سینمایی «رؤ‌باشهر»

ماجرای جوی در جست‌وجوی امید و هویت

رضا جعفریان

انیمیشن سینمایی «رؤ‌باشهر» به کارگردانی محسن عنایتی و تهیه‌کنندگی مصطفی حسن آبادی، اثری است که تلاشی می‌کند در زائر ماجراجویانه-فانتزی، داستانی جذاب و آموزنده را برای مخاطب کودک و نوجوان و حتی خانواده‌ها روایت کند. این انیمیشن که با هدف سرگرم‌کننده بودن و در عین حال انتقال مفاهیم ارزشمند ساخته شده، قدمی رو به جلو در مسیر انیمیشن‌سازی بلند ایران به شمار می‌رود.

سفر آرات به سرزمین رؤ‌یاها

داستان «رؤ‌باشهر» حول محور پسرپروچهای به نام آرات می‌چرخد. آرات، شخصیتی پر از خیال‌پردازی و آرزوهای بزرگ است که در سرر، رؤ‌یای قهرمان شدن را می‌پروراند. او با الهام از داستان‌ها و اسطوره‌های ذهنی خود، به همراه دوستانش، راهی یک سفر ماجراجویانه می‌شود. هدف او از این سفر، رسیدن به مکانی مرموز به نام «رؤ‌باشهر» است؛ جایی که تصور می‌کند تمام آرزوها و قهرمانی‌ها در آن محقق می‌شود. اما این سفر، تنها یک ماجراجویی بیرونی نیست، بلکه کاوشی درونی برای آرات است که او را با واقعیت‌های جدیدی روبه‌رو می‌کند. در این مسیر، آرات و دوستانش با چالش‌هایی مواجه می‌شوند که نه تنها شجاعتشان را می‌سنجد، بلکه درک آن‌ها را



از مفهوم قهرمانی و تحقق رؤ‌یاها تغییر می‌دهد. او درمی‌یابد که قهرمان بودن فقط به قدرت‌های خارق‌العاده نیست، بلکه به تصمیمات، دوستی و مواجهه با واقعیت‌های زندگی نیز بستگی دارد.

حرکت با رؤ‌یا

فیلم از ابتدا بر روی قدرت تخیل و رؤ‌یاپردازی کودکان تأکید دارد. آرات نمادی از کودکی است که با رؤ‌یاهایش زندگی می‌کند و همین رؤ‌یاها، او را به حرکت وامی‌دارد. این پیام برای کودکان بسیار مهم است که رؤ‌یاپردازی، اولین گام برای رسیدن به اهداف بزرگ است.

یکی از محور‌ی‌ترین پیام‌های فیلم، بازتعریف مفهوم قهرمانی است. آرات در ابتدا تصور می‌کند قهرمان بودن به معنای داشتن قدرت‌های ماورایی یا انجام کارهای بزرگ و خارق‌العاده است. اما در طول سفر، او به تدریج درمی‌یابد که قهرمانی واقعی در شجاعت مواجهه با چالش‌ها، کمک به دوستان، فداکاری و پذیرش واقعیت‌های زندگی است.

همانند بسیاری از انیمیشن‌های ماجراجویانه، «رؤ‌باشهر» بر اهمیت دوستی و همکاری تأکید دارد. آرات به تهناتی نمی‌تواند به اهدافش برسد و تنها با یاری دوستانش است که می‌تواند بر مشکلات غلبه کند. این موضوع به کودکان می‌آموزد که در کنار هم، می‌توانند کارهای بزرگی انجام دهند. سفر آرات او را از دنیای فانتزی و رؤ‌یاهای صرف، به سمت واقعیت‌های زندگی سوق می‌دهد. او با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شود که در ابتدا تصورش را نمی‌کرده و همین مواجهه با واقعیت، باعث رشد و بلوغ شخصیتی او می‌شود.

«رؤ‌باشهر» با ریتم مناسب و حوادث پی‌درپی، توانسته داستانی پرکشش برای مخاطب کودک و نوجوان خلق کند که از ابتدا تا انتها آن‌ها را با خود همراه می‌کند.

فیلم بدون شعارزدگی، مفاهیم مهمی چون شجاعت، دوستی، فداکاری و اهمیت رؤ‌یاها را به مخاطب خردسال منتقل می‌کند.

در سطح فنی، «رؤ‌باشهر» تلاشی قابل ستایش برای ارائه یک انیمیشن سینمایی با استانداردهای قابل قبول در سینمای ایران است. کیفیت تصویر، طراحی شخصیت‌ها و فضاسازی، نشان از پیشرفت در این صنعت دارد.

چند نقطه ضعف

اگرچه داستان جذاب است، اما ممکن است در بخش‌هایی از کلیشه‌های رایج در انیمیشن‌های ماجراجویانه پیروی کند و فاقد نوآوری‌های ساختارشناخته‌باشد.

با وجود اینکه آرات یک قهرمان دوست‌داشتنی است، اما ممکن است در پرداخت برخی شخصیت‌های فرعی و عمق‌بخشی به آن‌ها، جای کار بیشتری وجود داشته باشد.

انیمیشن‌های ایرانی همواره در رقابت با آثار عظیم و پرودجه جهانی قرار دارند. «رؤ‌باشهر» با وجود تلاش‌های زیاد، ممکن است در برخی جزئیات فنی و ریزه‌کاری‌ها، همچنان با استانداردهای جهانی فاصله داشته باشد که البته این یک چالش عمومی برای این صنعت در کشور است.

مسکن مناسب، ماشین خوب، پوشاک با کیفیت یا همسر زیبا و موفق، به همین نسبت افراد نسبت به ارزش‌های انتزاعی یا والا‌تری مثل فرهنگ، سیاست و دین کم‌تفاوت‌تر خواهند شد و جامعه به مرور ثروت و ارزش واقعی را در تأمین همان چهارچوب‌های اولیه تعریف خواهد کرد و کم کم آنها جای ارزش‌های فرهنگی و هنری و دینی را خواهند گرفت.

درنگی در وضعیت سینمای ایران از منظر فلسفه فیلم

تسلیم روزمرگی

بخش دوم و پایانی — مصطفی مرشدلو

سینمایی ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی



سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

درنگ در مورد آینده را از آنها می‌گیرد.

شخصیت‌های آثار او عملاً انسان‌هایی سینمایی ما شخصیت‌ها برای آینده بهتر مهاجرت را راحل می‌بینند و مانند و برای آینده برنامه‌ریزی کردن برایشان کم و بیش رؤ‌یافانه و تخیلی است. در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

سینمای ما، در کلیت خود به شمول همان صنعت سریال سازی، بخش زیادی از توان خود را صرف باز تولید همین ایده کرده است. تلاش‌های منفردی از سوی کسانی که دغدغه‌های انتزاعی‌تری با آثار او و کسانی که از شیوه فیلم‌سازی او در تمام فیلم‌های فرهادی آینده شخصیت‌های در هاله‌ای از ابهام تردید است چرا که عوامل محیط و شرایطی که تحمیل می‌کنند فرصتی برای درنگ درخصوص آینده را به کسی نمی‌دهند، برای نمونه چه در جدایی چه در قهرمان چه در فروشندۀ چه آثار دیگری که از او سراغ داریم، لحظه حال آنچنان غیرمترقبه و ناگهانی خود را به زندگی

صفحه ۸

دوشنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۴

۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ – شماره ۲۳۹۷۷



بازتولید همین تله روزمرگی و بی‌آفتی نسبت به آینده نیستند.

پوست شیر که با استقبال خوب مخاطب رو به رو شد یک نمونه است از بسیار نمونه‌ها، دختری که سراخر قربانی می‌شود، در آستانه مهاجرت و ساختن آینده‌ای رؤ‌یایی انتخاب می‌کند یا پدر خود به سفری برود که انتهای آن سفر به مرگ او منتهی می‌شود.

در این شمای کلی افق آینده روشن در آرمانشهری جز اینجاست و مانند در این‌جا جز تباهی و نابودی ثمره و عایدی ندارد. آینده در این‌جا در کنش و قوس گذشته خانواده رنگ تباهی می‌گیرد و در سایه رفتن از این‌جا باید بتوان آفتی گشود. در انتهای شب هم که سریال کوتاه نسبتاً پر مخاطبی بود در نهایت افق آینده را در پرتوی از ابهام و عدم قطعیت به پایان می‌برد.

شخصیت‌های سریال آن‌قدر درگیر حواشی محیطی هستند که فرصتی برای تصویرسازی درساره آینده و افق پیش رو ندارند. این نوع

سینماورزی در عمل مجال و فرصتی برای افق‌گشایی به سمت آینده باقی نمی‌گذارد، چه برای خود سینماگر، در دنیای ذهنی خودش، و چه برای مخاطب، در عالم تصورات خود، در حالی که یکی می‌توان در غالب سینماگران وطنی رده‌ای همین یأس نسبت به آینده و بی‌تصوریی را به وضوح نشان داد، در نسل جدیدتر می‌توان از سعید روستایی یاد کرد که سینمای او هم آینده تمام‌نمایی از بی‌آینده بودن شخصیت‌ها را ترسیم می‌کند. از ابد و یک روز تا برادران لیلیا به وضوح می‌توان این بی‌آیندگی و گیر افتادن شخصیت‌ها و حتی خود سینماگر را در تله روزمرگی نشان داد. وضعیت سریال سازی ما هم چیزی جز امتداد صنعت سینمایی ما نیست، پروژه‌های مختلفی که سسکوهای خانگی عرضه شده‌اند به عینه جز جدید بازتعریف کرد.

پسران هور چراغی برای انتقال میراث دفاع مقدس در سیمای ملی

وظیفه فیلمسازان، کارگردانان و تهیه‌کنندگان سینمایی و تلویزیونی، تنها به بازنمایی گذشته ختم نمی‌شود، بلکه باید دستاوردهای بی‌مانند و ارزش‌های دوران طلایی هشت سال دفاع مقدس را حفظ و به عنوان زیربنایی محکم برای تبیین اقتدار امروز و شکست توطئه‌های دشمن در جنگ‌های جدید، به تصویر بکشند. تولید مجموعه «پسران هور» یک نماد ارزشی در زمینه صداوسیماست که نویددهنده حرکت و رشد مدیران رسانه ملی به‌صیانت از باورهای دینی و ارزش‌های انقلابی است. امید است این روند با ساخت آثار نمایشی متعدد و قوی، هم در بازنمایی حساسه هشت سال دفاع مقدس و هم در به تصویر کشیدن اقتدار ملت در مواجهه با توطئه‌های نوین دشمنان، با شتابی روزافزون ادامه یابد. تولیدات دفاع مقدسی، سد مستحکم فرهنگی در برابر نفوذ و تحریف هستند.

در فیلم قدرت ۲، ماور شخصیت قدرت به عنوان یک انسان معنوی بسیار کم است و عملاً هیچ راه‌گزیری نیست حتی وردها و آیه قرآن و.. هم خیلی تأثیر ندارد و تنها شاید به صورت موقت، جان استاد قدرت و شخص جن که مرگش به دلیل آثر اطلاع نوتونی و پرتو این دارد چند ساعت بعد، جن دیگری از گوری برخیزد و طرف را دوباره تسخیر کند!

در این مورد باید گفت صد رحمت به سازنده‌های هالیوودی، حداقل در فیلم‌های غربی، بعد از جن‌گیری طرف آزاد می‌شود ولی در نسخه شرقی، حکایت همچنان باقی است..

در انتهای فیلم قدرت ۲ باز از قسمت اول و پسر بچه‌ای که آزاد شده بود، صحنه‌های را نشان می‌دهند و معلوم است که در ادامه ساخت این سری فیلم‌ها، جدد قرار است افراد قدیمی وارد داستان شده و پشت سر هم تسخیر شوند!

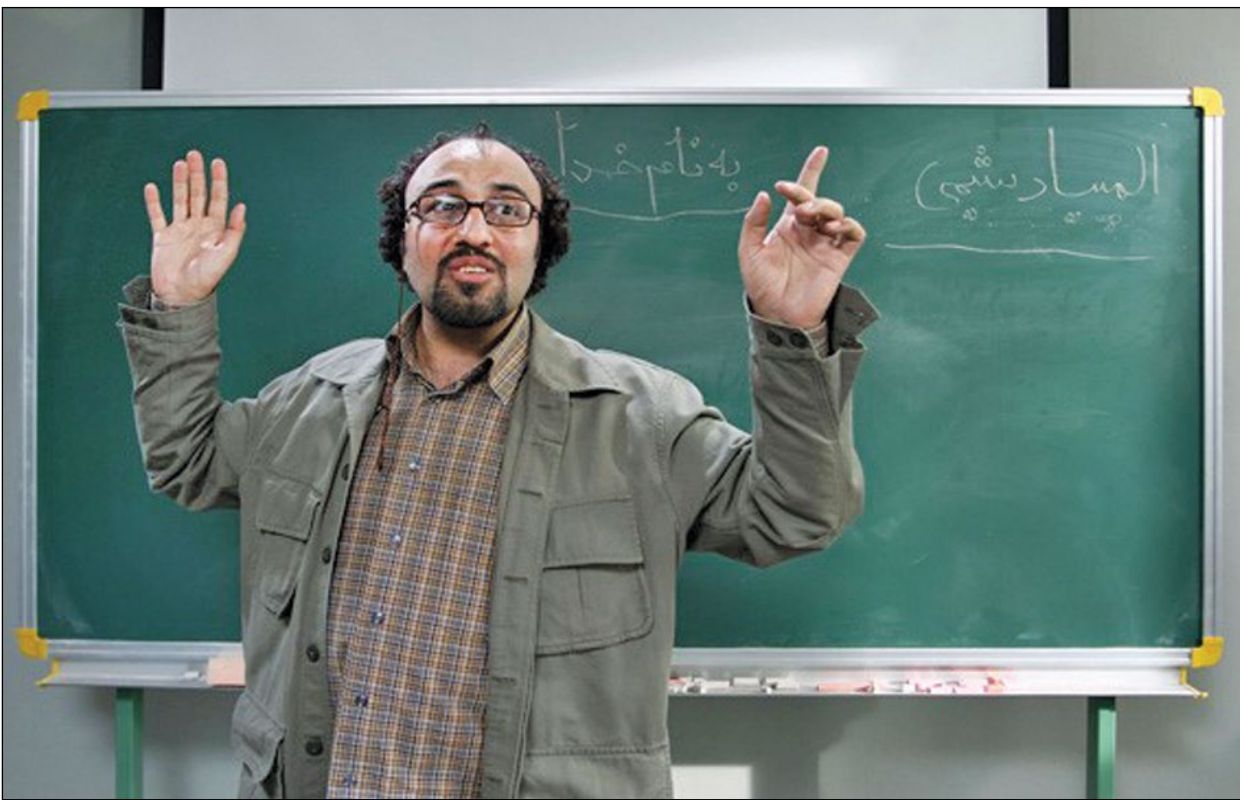
گرایش به مذهب و مسائل آخرآزمانی

فیلم قدرت ۲ مانند سبدها اولش با آیه ۴۲ سوره نور شروع می‌شود و در طول داستان هم مدام از آیات قرآن استفاده می‌شود و هر چند شیاطین در داستان به قدری خفج هستند که با ششیدن آیات قرآن نمی‌روند ولی استفاده از آله‌ام‌ای اسلامی در طول داستان، بسیار زیاد است.

فیلم قدرت ۱ به خاطر استقبال بسیار زیاد مخاطبین، فروش بسیار بالایی داشت و قدرت ۲ هم به خاطر موفقیت قسمت اول ساخته شد. این فیلم هم مانند فیلم اول، فروش بالایی داشت و چنین استقبالی، نشان از این قضیه دارد که مرگش به دلیل آثر ایزمانی و میل به پیروزی مذهب بر شیاطین در جامعه اندونزی، بسیار بالا است. البته در سال‌های اخیر، مخصوصاً در زائر وحشت،

فیلم‌های زیادی در اندونزی ساخته شده‌اند ولی بیشتر این فیلم‌ها دایده منفی افراد مذهبی را به تصویر کشیده‌اند ولی در فیلم قدرت ۱ و ۲، استناد قدرت انسان خوبی است که طرفدار قشر ضعیف است و بدون چشمداشت مادی به کمک آن‌ها می‌رود و در نهایت هم شیاطین را هر چند وقت‌اما از زندگی انسان‌های بی‌بنا بیرون می‌اندازد..

در فیلم قدرت صحبت در مورد مسائل مذهبی در همه جای داستان به چشم می‌خورد و به نوعی می‌توان گفت، رحمت به خداوند و تحمل مشکلات تا بد شان درهای اتحاد بهی، جزو نکات مهم داستان است. فیلم قدرت ۱ و ۲، و وجود نکات منفی بسیاری که دارند، به خاطر درون مایه‌های مذهبی و شرقی‌شان برای مخاطبین شرقی و مسلمان، جذابیت‌های خاصی را دارند و توانسته‌اند نمرات قابل قبولی را در سایت‌های مخصوص فیلم به خودشان اختصاص بدهند.



می‌توان در غالب سینماگران وطنی رده‌ای همین یأس نسبت به آینده و بی‌تصوریی را به وضوح نشان داد، در نسل جدیدتر می‌توان از سعید روستایی یاد کرد که سینمای او هم آینده تمام‌نمایی از بی‌آینده بودن شخصیت‌ها را ترسیم می‌کند. از ابد و یک روز تا برادران لیلیا به وضوح می‌توان این بی‌آیندگی و گیر افتادن شخصیت‌ها و حتی خود سینماگر را در تله روزمرگی نشان داد. وضعیت سریال سازی ما هم چیزی جز امتداد صنعت سینمایی ما نیست، پروژه‌های مختلفی که سسکوهای خانگی عرضه شده‌اند به عینه جز جدید بازتعریف کرد.

می‌توان در غالب سینماگران وطنی رده‌ای همین یأس نسبت به آینده و بی‌تصوریی را به وضوح نشان داد، در نسل جدیدتر می‌توان از سعید روستایی یاد کرد که سینمای او هم آینده تمام‌نمایی از بی‌آینده بودن شخصیت‌ها را ترسیم می‌کند. از ابد و یک روز تا برادران لیلیا به وضوح می‌توان این بی‌آیندگی و گیر افتادن شخصیت‌ها و حتی خود سینماگر را در تله روزمرگی نشان داد. وضعیت سریال سازی ما هم چیزی جز امتداد صنعت سینمایی ما نیست، پروژه‌های مختلفی که سسکوهای خانگی عرضه شده‌اند به عینه جز جدید بازتعریف کرد.

می‌توان در غالب سینماگران وطنی رده‌ای همین یأس نسبت به آینده و بی‌تصوریی را به وضوح نشان داد، در نسل جدیدتر می‌توان از سعید روستایی یاد کرد که سینمای او هم آینده تمام‌نمایی از بی‌آینده بودن شخصیت‌ها را ترسیم می‌کند. از ابد و یک روز تا برادران لیلیا به وضوح می‌توان این بی‌آیندگی و گیر افتادن شخصیت‌ها و حتی خود سینماگر را در تله روزمرگی نشان داد. وضعیت سریال سازی ما هم چیزی جز امتداد صنعت سینمایی ما نیست، پروژه‌های مختلفی که سسکوهای خانگی عرضه شده‌اند به عینه جز جدید بازتعریف کرد.

می‌توان در غالب سینماگران وطنی رده‌ای همین یأس نسبت به آینده و بی‌تصوریی را به وضوح نشان داد، در نسل جدیدتر می‌توان از سعید روستایی یاد کرد که سینمای او هم آینده تمام‌نمایی از بی‌آینده بودن شخصیت‌ها را ترسیم می‌کند. از ابد و یک روز تا برادران لیلیا به وضوح می‌توان این بی‌آیندگی و گیر افتادن شخصیت‌ها و حتی خود سینماگر را در تله روزمرگی نشان داد. وضعیت سریال سازی ما هم چیزی جز امتداد صنعت سینمایی ما نیست، پروژه‌های مختلفی که سسکوهای خانگی عرضه شده‌اند به عینه جز جدید بازتعریف کرد.

می‌توان در غالب سینماگران وطنی رده‌ای همین یأس نسبت به آینده و بی‌تصوریی را به وضوح نشان داد، در نسل جدیدتر می‌توان از سعید روستایی یاد کرد که سینمای او هم آینده تمام‌نمایی از بی‌آینده بودن شخصیت‌ها را ترسیم می‌کند. از ابد و یک روز تا برادران لیلیا به وضوح می‌توان این بی‌آیندگی و گیر افتادن شخصیت‌ها و حتی خود سینماگر را در تله روزمرگی نشان داد. وضعیت سریال سازی ما هم چیزی جز امتداد صنعت سینمایی ما نیست، پروژه‌های مختلفی که سسکوهای خانگی عرضه شده‌اند به عینه جز جدید بازتعریف کرد.

می‌توان در غالب سینماگران وطنی رده‌ای همین یأس نسبت به آینده و بی‌تصوریی را به وضوح نشان داد، در نسل جدیدتر می‌توان از سعید روستایی یاد کرد که سینمای او هم آینده تمام‌نمایی از بی‌آینده بودن شخصیت‌ها را ترسیم می‌کند. از ابد و یک روز تا برادران لیلیا به وضوح می‌توان این بی‌آیندگی و گیر افتادن شخصیت‌ها و حتی خود سینماگر را در تله روزمرگی نشان داد. وضعیت سریال سازی ما هم چیزی جز امتداد صنعت سینمایی ما نیست، پروژه‌های مختلفی که سسکوهای خانگی عرضه شده‌اند به عینه جز جدید بازتعریف کرد.

می‌توان در غالب سینماگران وطنی رده‌ای همین یأس نسبت به آینده و بی‌تصوریی را به وضوح نشان داد، در نسل جدیدتر می‌توان از سعید روستایی یاد کرد که سینمای او هم آینده تمام‌نمایی از بی‌آینده بودن شخصیت‌ها را ترسیم می‌کند. از ابد و یک روز تا برادران لیلیا به وضوح می‌توان این بی‌آیندگی و گیر افتادن شخصیت‌ها و حتی خود سینماگر را در تله روزمرگی نشان داد. وضعیت سریال سازی ما هم چیزی جز امتداد صنعت سینمایی ما نیست، پروژه‌های مختلفی که سسکوهای خانگی عرضه شده‌اند به عینه جز جدید بازتعریف کرد.

می‌توان در غالب سینماگران وطنی رده‌ای همین یأس نسبت به آینده و بی‌تصوریی را به وضوح نشان داد، در نسل جدیدتر می‌توان از سعید روستایی یاد کرد که سینمای او هم آینده تمام‌نمایی از بی‌آینده بودن شخصیت‌ها را ترسیم می‌کند. از ابد و یک روز تا برادران لیلیا به وضوح می‌توان این بی‌آیندگی و گیر افتادن شخصیت‌ها و حتی خود سینماگر را در تله روزمرگی نشان داد. وضعیت سریال سازی ما هم چیزی